

## R

### RAM (Random Access Memory)

**رم**  
بخشی از حافظه رایانه که در آن برنامه‌ها و داده‌ها هر دو قابل ذخیره سازی و بازیابی اند. لیکن با خاموش شدن رایانه محتوای این بخش از بین می‌رود. لذا برای ذخیره سازی دراز مدت باید از حافظه دائمی مثل دیسک سخت استفاده شود.

### rational-emotive therapy (RET)

### درمان عقلانی - هیجانی

نخستین روش فراگیر در درمان شناختی (نک: cognitive therapy) بیماری‌های روانی که توسط الیس (Ellis) ابداع و ترویج شد. در این روش، درمانگر طی گفت و گوی حساب شده‌ای با فرد او را در کشف منشأ اختلالات هیجانی و رفتاریش کمک می‌کند و با توجه دادن او به امکانات و تواناییهایش وی را در رسیدن به حل مسایلیش هدایت کرده و در اجرای شجاعانه تصمیمات برای زندگی بهتر تشویق می‌کند.

### rationalism

### خرد گرایی، عقل گرایی

دیدگاهی که معتقد است لاقبل بخشی از معلومات بشر مستقیماً از طریق تجربه حسی (یا با استنباط از تجربه حسی) فراهم نشده است.

### rationalization

### توجیه کردن، دلیل تراشی

### reaction time (RT)

### زمان واکنش

زمان لازم برای اینکه آزمودنی به طریق خاصی به یک محرک ارائه شده پاسخ دهد.

### reading

### خواندن

فرایندی که شامل تبدیل نمادهای نوشتاری به بازنمایی‌های ذهنی، به منظور فهم آنهاست.

### read only memory (ROM)

### رام، حافظه صرفاً خواندنی

حافظه‌های الکترونیکی که خواندن محتویات و اطلاعات موجود در آن ممکن است، ولی تغییر یا افزایش محتویات آنها ممکن نیست، مانند دیسکتهای فشرده.

### realism

### واقع‌گرایی

اعتقاد به وجود اشیا، ویژگیها و ساختارها به صورت مستقل از دانش و ادراک بشر. بر طبق این دیدگاه، نظریه‌ها و مشاهدات می‌توانند بازگو کننده یا توصیف کننده واقعیت جهان خارج باشند، نه آفریننده آن واقعیت.

### reality

### واقعیت

### reality monitoring

### واقعیت بینی

توانایی شخص در تفکیک بین خاطرات و محفوظاتش از ادراک جهان خارج و خاطرات و محفوظات ناشی از تصورات و تخیلات درونیش.

### reasoning

### استدلال

(نیز نک: deductive reasoning و inductive reasoning)

### recall

### یاد آوری

جست و جو و بازیابی اطلاعات و موادی که قبلاً ذهن با آنها مواجه شده است (و الان با آن مواجه نیست).

recall memory	(نیز نك: retrieval) <b>حافظه یادآوری</b> (recognition memory: نك)
recency effect	<b>اثر تأخر</b> بهرتر به خاطر آوردن موارد آخر فهرست در آزمایش‌های یادآوری آزاد. اگر فردی زنجیره‌ای از کلمات یا اعداد را برای حفظ کردن بیاموزد، به هنگام یادآوری آزاد آن مواد، آنچه را در اواخر فهرست قرار دارد بهتر از آنچه در اواسط فهرست قرار دارد به یاد می‌آورد. این اثر در منحنی موقعیت زنجیره‌ای در سمت راست منحنی U شکل نشان داده شده است. (نیز نك: primacy effect)
receptors	<b>دریافت‌کننده‌ها</b> اندام‌هایی که درون‌دادها را از محیط دریافت می‌کنند.
recognition	<b>بازشناسی</b> جست و جو و بازیابی اطلاعات درباره محرکی که ذهن اکنون با آن مواجه است. بازشناسی اینهمانی محرک کنونی با محرکی که قبلاً ذهن با آن مواجه بوده است. (نیز نك: retrieval)
recognition failure	<b>ناکامی در بازشناسی</b> این پدیده در مطالعاتی مشاهده شده است که نظریه دو فرآیندی را مورد انتقاد قرار داده‌اند (نك: two process theories) به نحوی که در این مطالعات آزمودنی‌ها قادر به یادآوری کلمات بودند، ولی نمی‌توانستند آنها را بازشناسی کنند.
recognition memory	<b>حافظه بازشناسی</b> حافظه بازشناسی در مقابل حافظه یادآوری (recall memory) مطرح می‌شود که اشاره به دو نوع متفاوت از جست و جو در حافظه یا دو نوع بازیابی مواد و مطالب در حافظه است.
recognition recall	<b>یادآوری بازشناسی</b> این نوعی از یادآوری در تکلیف حافظه است. در بازشناسی از آزمودنی خواسته نمی‌شود که صریحاً گویه‌ها را بیان کند. آنها فقط باید مشخص کنند که کدام گویه‌ها در فهرست اصلی وجود داشته‌اند.
recurrent network	<b>شبکه تکراری، شبکه بازبیدا</b> شبکه عصبی که در آن برون‌داد بعضی از سلول‌های عصبی از طریق پیوندهای واسط پس‌خوراندی تولید می‌کنند که درون‌داد آن را تشکیل می‌دهد.
recursive decomposition	<b>تجزیه تکرار شونده</b> تجزیه تکرار شونده اشاره به این دارد که هر رویداد اطلاعاتی پیچیده در یک سطح از توصیف را می‌توان در سطح توصیف پائین‌تر آن کامل‌تر توضیح داد. این کار از طریق تجزیه رویداد به تعدادی مؤلفه و تعیین فرایندهایی که روابط میان آن مؤلفه‌ها را مشخص کند امکان‌پذیر است.
reduction	<b>کاهش، تقلیل</b> (نیز نك: reductionism)
reductionism	<b>کاهشگرایی، واگشت‌گرایی</b> استفاده از سطوح اساسی‌تر یا بسیط‌تر برای تبیین رویدادهایی که در یک سطح نظری روی می‌دهد. مثل اینکه برای تبیین فرایندهای شناختی صرفاً به سطح رویدادهای عصبی و یا فقط بر فرآیند پردازش اطلاعات اکتفا کنیم.
reflection	<b>تدبر، تفکر، تأمل در درون</b>
reflex	<b>بازتاب</b> در معنای خاص عبارت است از پاسخها و رفتارهای یکنواختی که به طور خودکار و بدون اراده از همه افراد نوع انسان یا نوع خاصی از حیوان سر می‌زند.
rehearsal	<b>تمرین، تکرار</b>
relative complexity evidence	<b>شواهد پیچیدگی نسبی</b> یکی از اهداف کلیدی روان‌شناسی شناختی طراحی نظریه‌هایی است که قویاً هم‌ارز نظامی باشند که در صد تبیین آن است. نوعی از شواهد مورد نیاز برای دفاع از این مسئله، شواهد پیچیدگی نسبی نامیده می‌شود.
reliability	<b>قابلیت اعتماد، پایایی</b> در مباحث سنجش و ارزیابی به میزان پایایی و ثبات اندازه‌های به دست آمده در صورت تکرار آزمون در شرایط

<b>relaxation</b>	<b>آرمیدن، استراحت</b>
حالتی که سطح تنش و فشار در بدن یا سامانه کاهش یابد. در سامانه‌های پیوندگرا استراحت فرایندی است که توسط آن يك سامانه پیوندگرا به وضعیتی می‌رسد که راه حل بهینه را برای تأمین مجموعه‌ای از شرایط خاص، نشان می‌دهد. در معنای خاص آن فرایندی است که طی آن شبکه‌عصبی مصنوعی به حالت فعال سازی پایدار می‌رسد.	
<b>remote memory</b>	<b>حافظه دور</b>
حافظه‌ای که افراد (به خصوص افراد مسن) از خاطرات سالهای گذشته و دور دارند.	
<b>repetition error</b>	<b>خطای تکرار</b>
نوعی خطای حافظه منبع (نک: source memory) که در آن فرد می‌پندارد یا حدس می‌زند که او در باره عملی صرفاً تخیل یا قصد کرده و آن را انجام نداده است، حال آن که در واقع آن را انجام داده است. در چنین حالتی فرد ممکن است دوباره قرص بخورد یا دوباره در غذا نمک بریزد یا مطلب واحدی را به شخص واحدی بیش از يك بار بگوید. (نیز نک: omission error)	
<b>representation</b>	<b>بازنمایی</b>
نماد یا فرایندی که نماینده چیز دیگری است. ارائه واقعیت مربوط به جهان خارج یا جهان ذهن در قالب نمادهای ذهنی. معمولاً منظور از بازنمایی، بازنمایی درونی (internal representation) است.	
<b>representation bearer</b>	<b>حامل بازنمایی</b>
جنبه‌ای از بازنمایی که ویژگی‌های يك بازنمایی را دارد، ولی نه معنا و مقصود آن بازنمایی را. مثلاً حامل بازنمایی نوشته "بوستان" همین شکل خاص از نقاط و خطوط افقی، عمودی و منحنی است که با مرکب در اینجا نقش بسته است.	
<b>representational theory of the mind (RTM)</b>	<b>نظریه بازنمایی در ذهن</b>
هر نظریه‌ای که فرایندهای ذهنی را به عنوان عملیاتی تلقی می‌کند که روی بازنماییها (معانی، محتواها، نمادها) صورت می‌گیرد. این عملیات ممکن است از نوع ترکیب کردن، تغییر دادن، ذخیره سازی، یا بازسازی آن بازنماییها باشد.	
<b>repression</b>	<b>واپس رانی، سرکوب</b>
سرکوبی، یکی از عواملی که باعث غیبت اطلاعات خاصی از هشیاری آنی فرد می‌گردد.	
<b>reproductive thinking</b>	<b>تفکر بازآفرینشی</b>
نوع یا شیوه‌ای از تفکر که راه حلهایی را که در تجارب قبلی آموخته شده در مسایل جدید به کار می‌گیرد. این اصطلاح توسط ورتهایمر (Wertheimer) و دیگر روانشناسان گشتالتی به کار رفته است و در مقابل تفکر مولد (نک: reoroductive thinking) قرار دارد.	
<b>response</b>	<b>پاسخ</b>
<b>retention</b>	<b>یادسپاری</b>
<b>retrieval</b>	<b>بازیابی، بازیافت</b>
جستجو و یافتن اطلاعات خاص از حافظه. بازیابی ممکن است به صورت بازشناسی (نک: recognition) یا یادآوری (نک: recall) صورت پذیرد.	
<b>retrieval routes</b>	<b>مسیرهای بازیابی</b>
<b>retroactive inhibiton</b>	<b>منع پس گستر</b>
اثر بازدارندگی که توسط يك عامل خارجی یا داخلی بر يك فرایند شناختی که مربوط به زمان قبل است اعمال می‌شود. (نیز نک: proactive inhibition)	
<b>retroactive interference</b>	<b>تداخل پس گستر</b>
اثر منفی اطلاعات و یادگیریهای جدید بر یادگیری یا بازیابی اطلاعات و مواد قبلی. (نیز نک: proactive interference و decay theory)	
<b>retrograde amnesia</b>	<b>بیماری فراموشی پس گستر</b>

نوعی از بیماری فراموشی (نک: amnesia) که در آن شخص در به خاطر آوردن آنچه مدتی قبل از وقوع عامل بیماری (آسیب مغزی یا ضربه روانی) روی داده است ناتوان است. معمولاً فقط گذشته نزدیک به زمان آسیب فراموش می‌شود نه تمام خاطرات گذشته.

reversibility

بازگشت

پذیری

خاصیت موجود در عملیات که اگر گامهایی که طی شده به عکس پیموده شود به حالت اولیه بازگشت خواهد شد. از نظر پیازه توانایی بازگشت‌های ذهنی در عملیات، اساس فهم کودک نسبت به بقای کمیته‌ها (نک: conservation) است.

right brain

نیمکره راست

مغز

right hemisphere

نیمکره راست

(مغز)

risky decision making

تصمیم‌گیری مخاطره

آمیز

robot

روبات

ماشینی که توانایی اجرای اعمال پیچیده فیزیکی رفتار انسانها را دارد.

rotation, mental

چرخش

ذهنی

(نک: mental rotation)

rote learning

یادگیری طوطی وار

یادگیری مطلبی که یادگیرنده معنا آن را به اندازه لازم نمی‌داند.

routine

رفتار یکنواخت، رویه معمول

رفتار عادی زندگی روزمره. رفتار قالبی که دلیل و فلسفه اصلی خود را از دست داده است.

rule-based system

نظام

قانونمند

rule learning

یادگیری قاعده، یادگیری

قانون

فرایند یادگیری یا استخراج یک قاعده از روی مثالها و مصداقهای ارائه شده.

rule of thumb

قاعده سرانگشتی

حدسهایی که توسط شخص یا ماشین در صورت فقدان الگوریتم معین برای حل مسئله زده می‌شود.

Ryl'es regress

پسرفت رایل

پسرفت رایل برهانی قدیمی علیه نظریه‌های شناختی است و نتیجه‌گیری می‌کند که چنین نظریه‌هایی نمی‌توانند علمی باشند.

پژوهشگرده علوم شناختی